



کنتراست یا تضاد

Contraste

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واقعیات قابل رؤیت با چشم عبارتند از اشیاء و اختلافات بین آنها که بوسیله کنتراست یا تضاد اختلاف شدیدتری با هم پیدا میکنند و باین طریق برای خود معنایی کسب مینمایند. کنتراست یا حدفاصل بین اشیاء تار و پود ریتم زندگی را تشکیل میدهد. امواج کوتاه و بلند متضادی که بطور مداوم بگوش و چشم ما میرسند صوت و رنگ را بوجود میآورند. گرم و سرد، نرم و سخت و صاف و ناصاف، اینها محسوساتی هستند که نوك انگشتان ما بدرون وجود ما هدایت میکنند. و تشعشات حیات را بذهن انسان انتقال می دهند. کنتراست : اختلاف، مبارزه یا تنوع، هسته محرك تمام موجودات و کلیدی هنرهای گوناگونی است که در زندگی برای ما تنوعی ایجاد میکنند. همانقدر که وحدت برای طرح ضروری است کنتراست نیز بهمان اندازه مهم است. تنوع در طرح جلب توجه میکند و خاطر انسان را بر میانگیزد. تنوع به طرح جان میدهد و

چاشنی کمپوزیسیون است کما اینکه کمپوزیسیونی که کنتراست کمتر داشته باشد یکنواخت و بی مزه میشود.

در هر طرحی خواهی نخواهی مقدار معینی تنوع ایجاد میشود. مثلاً خط سیاهی که روی کاغذ سفید رسم میکنیم خود بخود کنتراستی در ارزش (والور) تولید میکند در این صورت باید دید تنوع بیشتر تا چه حدودی لازم است؟ مقدار آن بطبع نقاش و منظور طرح بستگی دارد. کنتراست مثل نمک است که مصرف آن بمذاق شخص وابسته است بعضی از طبایع آرمونی گنگ و ضعیفی رامیپسندند در حالیکه دیگران تضاد قویتری را خواهانند هر چه اثر ما تنوع بیشتری داشته باشد بهمان میزان بیشتر جلب توجه میکند. یعنی هر چه کمپوزیسیونی متنوع تر باشد برای بیننده جالب تر خواهد بود. ممکن است با بوجود آوردن انواع مختلف خط، فرم، نسبت، ارزش (والور) و رنگ بتوانیم کار جالبتری تحویل دهیم ولی منظور فوق با بکار بردن کنتراستهای نامساوی بین عناصر نامبرده نیز عملی میشود.

(فواصل Intervales میتوانند قوی، بزرگ، کلی و متوسط، ضعیف، کوچک یا جزئی باشند) بمبارت دیگر فواصل غیر مساوی ایجاد تنوع میکنند و تنوع سبب جلب توجه میشود، در حالیکه فواصل مساوی و معین و یکنواخت خسته کننده هستند، چون فاقد Variation یا تنوع میباشند، بنابراین اگر بخواهیم کار ما تا حد اکثر اندازه خود جالب باشد باید طوری فرمها، نسبتها ارزشها (والورها) و رنگهای خود را تنظیم کنیم تا ماکزیم تنوع ایجاد شود. اگر بخواهیم در کمپوزیسیونی سه ارزش (والور) بکار ببریم، هرگز سیاه و خاکستری متوسط و سفید را بکار نخواهیم برد چون فاصله (Intervale) یا کنتراست بین سیاه و خاکستری متوسط برابر با فاصله میان خاکستری متوسط و سفید است. در نتیجه تنوع کم است.

ترکیباتی که ذیلاً بدانها اشاره میشود به سبب ارزشهای نامساوی ترکیبات بارزتری تولید میکنند و بهمین سبب جالبتر از آب درمیآیند.

۱- سیاه و سفید خاکستری که روشن تر یا سیرتر از خاکستری متوسط باشد. در نتیجه تنوع بیشتری پیدا میکند.

۲- سیاه خاکستری متوسط و خاکستری روشن در نتیجه تنوع بیشتری پیدا میکند.

۳- خاکستری سیر و خاکستری متوسط و سفید در نتیجه تنوع پیدا

می کند.

از ترکیب نخست خاکستری متوسط به خاکستری تبدیل شده است که از رنگ دیگر بعداً نزدیکتر است در ترکیب دوم و سوم یکی از حدود آخر بوسیله نزدیکتر شده است در مباحث بعدی در قسمت سازمان ارزشها این اصل را بطور عملی نشان خواهیم داد و طرز بکار بردن آن را در کمپوزیسیونهای گوناگون خواهیم دید.

همین دستورالعمل در مورد سایر عناصر یعنی در مورد خط، جهت، نسبت (Proportion)، فرم، جنس و رنگ نیز صدق میکند. مثلاً رنگ حد فاصل میان قرمز و سبز، زرد است:

در نتیجه کنتراست کم است. - *La table des complemena*
ire et contrastes عبارت دیگر فاصله یا اختلاف (Tone) بین قرمز و زرد برابر با فاصله (Tone) بین زرد و سبز است، ترکیبی که تنوع یا فواصل بیشتری تولید کند عبارتست از: قرمز با زرد مایل بسبز و سبز یعنی یکی از والورهای حد آخر بوسیله نزدیکتر شده است.

یعنی فاصله بین قرمز و زرد مایل بسبز بیشتر از فاصله بیست که بین زرد مایل بسبز و سبز موجود است؛ شاید بهمین علت این نوع ترکیب رنگ و ترکیبات رنگی مشابه که موسوم به هارمونی یا کنتراست هستند - (*Harmonie* (ou *contraste*) مورد توجه میباشند - (این نتیجه از مراجعه به تابلوی رنگهای کومپلی ماتر و کنتراستها و آرمونسیها بدست میآید) بعداً در بخش سازمان رنگ مشاهده خواهیم کرد که این اصل چگونه در ترکیبات رنگی بکار میرود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی